



من، منم؟!!

داستانهای کوتاه و شگفت انگیز

مترجم و گردآور:
امیررضا آرمیون



۲	نترس، ادامه بده!
۴	کلید زندگی
۶	رسیدن به کمال
۱۲	صداقت
۱۴	هیچ کس زنده نیست... همه مُردند
۱۶	قانون زندگی، قانون باورهاست
۲۰	دسته گلی برای مادر
۲۴	راه حل عادلانه
۲۶	محبت کنید و مهربان باشید
۳۰	زیبایی واقعی
۳۴	بچه حاضر جواب!
۳۶	این نیز بگذرد
۴۰	راز موفقیت

۸۲	آنچه یک زن می‌خواهد.....
۹۰	تو واقعاً که هستی؟.....
۹۲	قیمت دین!.....
۹۴	با من بمان.....
۱۰۰	آزادی.....
۱۰۲	حکایت فراموش شده.....
۱۰۴	روزنه نگاه.....
۱۰۶	کلینیک خدا.....
۱۱۰	هنر دیدن نادیدنی‌ها.....
۱۱۲	حرف مشتری گوهر است.....
۱۱۸	آدم فرصت طلب.....
۱۲۰	چشمه باش.....
۱۲۲	لذت ترک لذت.....
۱۲۸	سن و سال.....

۴۲	انفاق.....
۴۴	داستان رُز.....
۵۰	بخشندگی خدا.....
۵۴	فصل‌های زندگی.....
۵۶	نه گفتن، لزوماً به معنای نه نیست!.....
۶۰	دوست داشتن.....
۶۲	نمود فرآیند پیری در انتخاب رستوران.....
۶۴	مرحله تکامل استادی.....
۶۶	نیکدلی.....
۷۰	هفت جا، نفس خود را حقیر دیدم!.....
۷۲	طوری زندگی کن که.....
۷۴	ارزش بلاها.....
۷۸	خدا خیرش دهد.....
۸۰	هرگز تسلیم نشوید.....

۱۷۸ میمون‌های باهوش
۱۸۰ درسی از استاد عشق
۱۸۲ تفاوت برنده و بازنده
۱۸۴ من رفتی‌ام
۱۹۰ راز زندگی
۱۹۲ پدر
۱۹۴ مشاوری باهوش
۱۹۸ آخرین درس استاد
۲۰۲ خط تیره زندگی
۲۰۶ آنچه داریم
۲۰۸ خداوند همه چیز را می‌بیند
۲۱۲ خودپسندی
۲۱۴ زنی متفاوت!
۲۱۸ منتظر نباش، خودت عمل کن!

۱۳۰ مراقب آنچه می‌گویید باشید
۱۴۰ تقوی و جوانمردی
۱۴۲ با سرعت حرکت نکنید!
۱۴۴ ثابت قدمی
۱۴۶ از قلب تا زبان
۱۵۰ یک نصیحت از شیطان
۱۵۲ سامورایی‌ها
۱۵۶ وعده
۱۵۸ چند تا دوست داری؟
۱۶۲ نور امید
۱۶۶ سمعک خاص!
۱۶۸ جهنم واقعی
۱۷۲ غم
۱۷۴ جایی که خدا می‌خواهد باشم

به همه شما خوانندگان عزیز توصیه می‌کنیم برای تأثیرپذیری بیشتر از مطالب این کتاب، داستان‌ها را به‌طور پیوسته مطالعه نکنید! هر روز تعداد محدودی را خوانده و در آخر هر داستان، در مورد آن خوب فکر کنید (حتی اگر آن داستان را قبلاً شنیده‌اید). مفاهیم عمیق و مهمی در پشت این داستان‌های کوتاه و به ظاهر ساده، نهفته است؛ مفاهیمی که شاید روزها، شما را به خود مشغول کند!

از معجزه تکرار، در اثربخشی بیشتر غافل نشوید.

* برای اطلاع از منابع و مراجع مورد استفاده و پیشنهادی، به انتهای جلد سوم مراجعه فرمایید.

۲۲۲	شجاعت در مقام عمل.....
۲۲۴	بخشیدن کسی که دوستش داریم.....
۲۲۸	اخلاص.....
۲۳۰	آن‌که شنید و آن‌که نشنید!.....
۲۳۴	کفش‌هایی برای قدم زدن در پبهشت.....
۲۳۸	تأثیر یک تصمیم درست.....
۲۴۲	سخن پایانی.....

نترس، ادامه بده!

پسر کوچکی مدتی بود به کلاس پیانو می‌رفت و یاد گرفته بود چند قطعه ساده را بنوازد. مادرش برای اینکه او را در امر یادگیری پیانو تشویق کند، تصمیم گرفت پسر را به یک کنسرت پیانو ببرد.

زمانی که آنها وارد سالن شدند و روی صندلی خود نشستند، مادر، یکی از دوستان قدیمی‌اش را از دور دید و پیش او رفت تا قبل از شروع اجرای کنسرت کمی با هم گفتگو کنند. زمانی که آنها گرم صحبت شدند، پسرک با کنجکاوای به سمت پشت صحنه رفت... مادر که از گفتگو با دوستش فارغ شده بود، به سمت صندلی خود بازگشت و با تعجب دید که پسرش سر جایش نیست! در همین حین، پرده کنار رفت و همه با تعجب دیدند که

پسر کوچکی پشت پیانو نشسته و قطعه کوتاهی را می‌نوازد!!

در همین زمان، استاد پیانو روی سن و به کنار پیانو آمد و به آرامی به پسرک گفت: «نترس، ادامه بده.» و خودش نیز در کنار او قرار گرفت و در نواختن گوشه‌هایی از قطعه به پسر کمک کرد. او نیز بدون هیچ ترسی به نواختن ادامه داد. این صحنه، تمامی حاضران را تحت تأثیر قرار داد و شرایط بسیار هیجان‌انگیزی در سالن حاکم شد.

نتیجه:

به خاطر داشته باشید چنانچه در مسیر زندگی دچار دلهره و ترس شدید، خوب گوش فرا دهید... حتماً صدای او را خواهید شنید که می‌گوید:

«نترس، ادامه بده...»